



تیتراهای امروز

رئیس شورای رقابت در پاسخ به نعمت زاده: قیمت خودرو نباید آزاد شود

خودرو در پسابرجام



صفحه ۲

مدیر کل تعزیرات حکومتی استان تهران:

قیمت روی کالاها غیر واقعی است

صفحه ۲

سفیر ایران در مسکو: منتظر خبرهای خوبی در روابط ایران و روسیه هستیم

دستور پوتین

برای لغو تحریم‌های مالی ایران

صفحه ۲

روز سرنوشت‌ساز پرسپولیس در انزلی

مسیر جام از مرداب می‌گذرد

صفحه ۱۴

تلویزیون

دوره‌می؛ نقد جامعه مدرن

کپی از خود

مهرداد رجبی: اتفاق خوشایندی که این روزها در شبکه نسیم، در حال رخ دادن است، حضور متفاوت و تحسین‌برانگیز مه‌ران مدیری است که سال گذشته پس از مدت‌ها به تلویزیون بازگشت. بازگشت مه‌ران مدیری به تلویزیون به اذعان خود او پس از، از دست دادن مخاطبانش در سال‌های دوری از رسانه ملی بود. پس از «در حاشیه» که با تصرف و مداخله افراطی بخش کوچکی از جامعه پزشکی نتوانست به شکلی که کارگردان دنبال آن بود، ادامه یابد، این بار مه‌ران مدیری «دوره‌می» را روی آنتن برد و به سرعت توانسته حجم قابل توجهی از مخاطبان را پای شبکه نسبتاً برطر فدار نسیم بنشانند.

دوره‌می در آغازین روزهای پخش به کپی‌برداری از یک برنامه هندی متهم شد. البته بعد گفته شد هندی‌ها هم از نسخه‌های آمریکایی کپی‌برداری کرده‌اند و همین موضوع حاشیه‌هایی برای «دوره‌می» به وجود آورد. منتقدان «کپی» مه‌ران مدیری نسبت مناسبی با محتوا برقرار نکرده‌اند. این ادعا درباره کپی بودن دوره‌می به نحوی مطرح می‌شود که گویی الباقی برنامه‌های پخش شده از سیما، منحصر به فرد و بدیع و تازه و ابتکاری‌اند! در حالی که پرباشنده‌ترین برنامه فوتبالی تلویزیون، حتی در تغییر و تحولات هزارگانه و سالانه و... نیز به کپی‌برداری از یک برنامه ایتالیایی ادامه می‌دهد و البته مخاطبان خود را هم حفظ کرده است. به نظر نمی‌رسد عیب و ایراد گرفتن از صرفاً دکور مشابه یا فرم مشابه برنامه تلویزیون‌های دیگر، درست باشد!

آن هم وقتی مه‌ران مدیری در محتوا با یک ایده‌پردازی خلاقانه حتی به «خندیدن» هم جهت می‌دهد و صرفاً «الکی خندیدن» را تجویز نمی‌کند. حرکت خلاف جریان معمول در تلویزیون از سوی خالق «مرد هزارچهره» اتفاقاً پسندیده نیز هست، زمانی که خلا بسیاری از برنامه‌های اجتماعی را در تلویزیون با نقدهایی صریح پر می‌کند.

نشان دادن ایرادهای معمول جامعه مدرن و نقد آن، مواجهه‌های صریح با واقعیت و با هم خندیدن به عیب‌هایی که انسان امروز حتی خود، آنها را دوست ندارد و نمی‌پسندد و جبر مدرنیته آنها را بر او تحمیل کرده، ویژگی مهم «دوره‌می» است. نقد «دهکده جهانی»، تعبیری که مدیری آن را پیش‌تر و...

ادامه در صفحه ۵



وزیر خارجه آمریکا در شورای همکاری خلیج فارس از «ترتیبات جدید» برای محدودیت برنامه موشکی ایران گفت!

به دنبال برجام موشکی

حضور جان کری در پایگاه نظامی آمریکا در بحرین

صفحه ۲

«برجام» که یک سال پیش با سر و صدای بسیار و فضا سازی گسترده تحت عناوین متناقض و با مزه‌ای از جانب طرفین همچون «حرکت به سمت جهان عاری از سلاح هسته‌ای»، «دوستی ایران و آمریکا»، «خلع سلاح هسته‌ای ایران»، «صلح بزرگ»، «معجزه دیپلماسی» و... به جهانبان عرضه شد اکنون در ایران و آمریکا از وضعیت خوبی برخوردار نیست. در کشورمان موضوع «قض عهد مکرر» آمریکا به رغم اذعان صریح نهادهای بین‌المللی به پایبندی ایران به فراتر از تعهدات امضا شده، به واقعیتی تلخ اما قابل پیش‌بینی بدل شده است. در آمریکا نیز رقابت بر سر تهدید ایران میان نامزدهای انتخاباتی به اوج رسیده به نحوی که نیویورک تایمز فضا را با عبارت مهم «رقابت بر سر پاره کردن برجام» توصیف کرده است و رویترز «دشمنی با ایران» را نقطه مشترک همه کاندیداهای مدعی عنوان ریاست جمهوری آمریکایی خواند!

برجام بخشی از حقوق اولیه ملت ایران را روی «کاغذ» احیا کرد و هزینه سنگینی نیز روی دست دولت گذاشت و تهدید ایران به تحریم و حتی حمله نظامی را در زمان کوتاهی افزایش نیز داد! جنگ و تحریم، وعده‌های قدیمی به ایران یا همان گزینه‌های روی میز آمریکایی‌ها محسوب می‌شود که بنا بود به واسطه ده‌ها دور مذاکره و معامله، دست‌کم در بخشی از عرصه‌ها، محدود و تعطیل شود و به قول معروف با «اعتمادسازی» صورت گرفته، حرکت سریعی در جاده «تنش‌زدایی» مشاهده شود!

با این وجود «توافق با آمریکا» حتی با وجود وفای به عهد یکجانبه ایران و عمل به سیاست استعماری «امتیازدهی یکجانبه» در موقعیت فعلی، از توان کاهش «تنش‌ها» و تحقق هدف اصلی از مذاکره یعنی «رفع تحریم‌ها» و «بهبود وضعیت معیشت مردم» در موقعیت پسابرجام برخوردار نبوده و حتی آمریکایی‌ها نیز علاقه‌ای به حفظ آن از خود نشان نمی‌دهند. پس هدف از این سریال دیپلماتیک چه بود؟ علت بی‌اعتنایی دولت روحانی به حفظ و اجرای دستاوردهای وعده شده «برجام» چه می‌تواند باشد؟ چرا کسی توضیح نمی‌دهد به چه علت آمریکایی‌ها دوباره در رُست «کابوی خشمگین» فرورفته‌اند و چه بر سر آن چهره اوتوکشیده دیپلماتیک با لبخند دوستی و دستکش مخملی آمد؟!!

برجام ایرانی

الف- در آخرین نظرسنجی موسسه «گالوپ» که نتایج آن در مقاله «ایرانی‌ها اعتمادشان به آمریکا در برجام را از دست می‌دهند» منتشر شده، از افت قابل توجه نظر بسیار مثبت مردم نسبت به برجام در چند ماه اخیر خبر داده شده است. گالوپ مدعی است درصد افرادی که از برجام دفاع می‌کنند از ۴۳ درصد یک سال پیش به ۲۷ درصد کاهش یافته است. همچنین ۶۶ درصد سوال‌شوندگان اعلام کرده‌اند به آمریکا «بی‌اعتماد» هستند که نسبت به ۴۱ درصد چند ماه قبل آمار بی‌اعتمادی به آمریکا نیز رشد جالب توجهی داشته است.

نویسنده آمریکایی مقاله ادامه اعمال تحریم‌ها علیه ایران در دوره پسابرجام و تهدیدات مطرح شده در رقابت‌های انتخاباتی ایالات متحده را در بی‌اعتمادی مردم ایران به برجام و آمریکا موثر ارزیابی می‌کند.

جالب اینجاست که در این نظرسنجی ۵۸ درصد پرسش‌شوندگان، تحقق «خودکفایی ملی» با اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مطابق نظر رهبر عالی ایران را در اولویت نسبت به افزایش تعامل اقتصادی با کشورهای غربی دانسته‌اند... پیام مهم مردم به دولت یازدهم که سیاست اقتصادی خود را بر «باج‌دهی به اروپایی‌ها» برای حفظ چارچوب متزلزل و شکننده برجام استوار کرده است.

با این احتساب برجام ایرانی بویژه با تفسیر دولت مبنی بر «باج‌دهی اقتصادی و سکوت حقوقی» وضعیت خوبی ندارد! اعتماد به کدخدا کمرنگ‌تر از همیشه است و انتظار می‌رود به دنبال پایداری تحریم‌ها و ادامه وضعیت کم‌تحرکی اقتصادی دولت حسن روحانی، فشار اجتماعی بیشتری برای پیگیری حقوق ملی از مسیر قانونی فراهم شود.

ادامه در صفحه ۵